

Taqiyya in Political Jurisprudence and Foreign Policy

Ruhollah Shariati

Assistant Professor, Research Institute of Islamic Sciences and Culture; and a member of the political studies association, Qom, Iran. r.shariati47@gmail.com

Abstract

In Islamic political jurisprudence, rules have been designed to regulate relations and interactions between individuals or governments, which, in addition to organizing and stabilizing interactions, will lead to transparency in relations and, consequently, the effectiveness of interactions. One of these rules is taqiyya, which is widely used in domestic politics in interactions with opponents and minorities and in foreign policy in interactions of the Islamic government with foreigners, especially enemies. The main question of this research is the role of taqiyya in the foreign policy of the Islamic government. In this regard, its vital role was examined, emphasizing Ayatollah Khamenei's viewpoints on applying this rule in political jurisprudence and foreign policy. Also, using the jurisprudential method and relying on rational reasoning, after examining the conditions and various types of taqiyya, including fear-based, strategic, etc., its role in the political sphere, especially foreign policy, was investigated. The importance of the Islamic country's political relations with other countries requires taqiyya to be used as a main strategic principle to avoid potential dangers to countries or to continue friendship between governments and, generally, in the direction of the higher interests of the Islamic country. According to Ayatollah Khamenei, along with the principles of wisdom and expediency, this rule is considered one of the principles of the foreign policy of the Islamic country. In both domestic and foreign spheres, this rule creates legal prescriptions for preserving, attracting, and influencing the achievement of the goals of Islamic governance and Muslims and the resolution of their problems. Internationally, aligning governments and nations, preserving the unity of Muslims and the entities of the Islamic country, and undermining the enemy's plans and deceptions are possible through taqiyya. In fact, the philosophy of using this rule in political jurisprudence is to lead the Islamic country and Muslims to their higher goals.

Keywords: Ayatollah Khamenei, Taqiyya, Political Jurisprudence, Foreign Policy.

Received: 2023-04-03 ; **Received in revised form:** 2023-05-27 ; **Accepted:** 2023-07-06 ; **Published online:** 2023-09-24
<https://doi.org/10.22034/SM.2024.550737.1853>

© the authors

<http://sm.psas.ir>

Article type: Research Article

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



تقیه در فقه سیاسی و سیاست خارجی

روح‌الله شریعتی

استادیار، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی؛ و عضو انجمن مطالعات سیاسی حوزه، قم، ایران. r.shariat47@gmail.com

چکیده

در فقه سیاسی اسلام برای تنظیم روابط و تعاملات فی‌مابین افراد یا حاکمیت‌ها، قواعدی طراحی شده که همچون قانون علاوه بر نظم‌دهی و ثبات تعاملات، به شفافیت روابط و در نتیجه کارآمدی تعاملات منجر خواهد شد. یکی از این قواعد تقیه است که در سیاست داخلی در تعاملات با مخالفان و اقلیت‌ها و در سیاست خارجی در تعاملات دولت اسلامی با بیگانگان و به‌ویژه دشمنان، از قواعد پرکاربرد به‌شمار می‌رود. سوال اصلی پژوهش آن است که نقش تقیه در سیاست خارجی دولت اسلامی چیست؟ در این راستا، با تاکید بر دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در کاربرد این قاعده در فقه سیاسی و سیاست خارجی، نقش کلیدی آن بررسی گردید. همچنین با روش اجتهادی و با تکیه بر حکم عقل، پس از بررسی شرایط و اقسام مختلف تقیه اعم از خوفی، مداراتی و غیره، نقش این قاعده در حوزه سیاسی و بخصوص سیاست خارجی بررسی شد. اهمیت روابط سیاسی کشور اسلامی با دیگر کشورها می‌طلبد که برای دوری از خطرات احتمالی کشورها یا تداوم دوستی فی‌مابین دولت‌ها و به‌طور کلی در جهت منافع عالیه کشور اسلامی، تقیه به‌عنوان اصلی راهبردی به‌کار گرفته شود. به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای این قاعده به همراه دو اصل حکمت و مصلحت از اصول سیاست خارجی کشور اسلامی به‌شمار می‌رود. این قاعده در حوزه‌های داخلی و خارجی با اهداف سه‌گانه حفظ، جذب و نفوذ در رساندن حاکمیت اسلامی و مسلمانان به اهداف خود و راه‌گشایی و خروج آنها از مشکلات، تجویزهایی شرعی ایجاد می‌کند. در صحنه بین‌الملل، هم‌دل کردن حاکمیت‌ها و ملت‌ها، حفظ وحدت مسلمانان و کیان کشور اسلامی و برهم‌زدن نقشه دشمن و فریب او با تقیه امکان‌پذیر است. به واقع و در یک جمله فلسفه استفاده از این قاعده در فقه سیاسی، رساندن کشور اسلامی و مسلمانان جهان به اهدافی عالیه خود است.

واژه‌های کلیدی: آیت‌الله خامنه‌ای، تقیه، فقه سیاسی، سیاست خارجی،

استاد به این مقاله: شریعتی، روح‌الله (۱۴۰۲). تقیه در فقه سیاسی و سیاست خارجی. *سیاست متعالیه*، ۱۱(۳): ۱۷۳-۱۹۰.

<https://doi.org/10.22034/SM.2024.550737.1853>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۳/۰۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۱۵؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۰۲

© the authors

<http://sm.psas.ir>

نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: انجمن مطالعات سیاسی حوزه



۱. مقدمه

تنظیم روابط و تعاملات داخلی و خارجی کشورها نیازمند مجموعه اصول و قواعدی کلی است، که تمامی مقررات، قوانین و تعهدات را پوشش دهد. بی تردید ساماندهی تعاملات کشور اسلامی در داخل و در صحنه بین‌الملل، نیازمند مبنا قرار دادن قواعدی پایدار و منطقی است، که ارتباط مستقیمی با اعتقادات، ادیان، آداب و رسوم جامعه و عهد و میثاق‌های ملت و حاکمیت داشته باشد. بی‌شک در حکومتی که بر مبنای اسلام استوار است، باید قواعد مزبور با مبانی دینی نیز همخوانی داشته باشد. بنابراین، در فقه اسلام، مجموعه حقوق و تکالیف حاکمان و به تبع آنها بسیاری از قواعد تعاملات حکومت بیان شده است، که این نیاز را تاحدودی برطرف می‌سازد. «مصادیقی از قواعد فقهی در فقه متداول است که به ادله شرعی یا بنای عرفی و عقلانی مبتنی است و به نوعی شارع مقدس آن را امضاء کرده [است]، نزد او معتبر شناخته شده‌اند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ص ۲۳). برخی از آن قواعد به سیاست و تدبیر امور جامعه مربوط بوده است و در پیوند آن حوزه با فقه مقرراتی ایجاد می‌کند، که تنظیم‌کننده حقوق و وظایف مردم و حاکمان است. همچنین، «معمولاً، صاحبان اندیشه سیاسی در حوزه فقه، آراء، اندیشه‌ها و افعال سیاسی خود را بر این قواعد و اصول بنا کرده‌اند و براساس آن مشی می‌کنند» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹: ص ۶۹). یکی از این قواعد قاعده تقیه است، که از آیات و روایات استخراج شده است و در فقه سیاسی در دو حوزه سیاست داخلی و خارجی کاربرد زیادی دارد. در این راستا، پژوهش حاضر درصدد بررسی قاعده تقیه به‌عنوان یکی از قواعد پرکاربرد فقه سیاسی است، که در نقش‌های متنوعی در سیاست داخلی و خارجی ظاهر می‌شود و آثار زیادی در تعاملات حاکمیت، به‌ویژه در سیاست خارجی کشور اسلامی دارد. لذا لازم است تمامی کارگزاران نظام اسلامی اعم از سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان در تمامی قوای حکومتی بدان توجه داشته باشند.

۲. مفاهیم پژوهش

۲-۱. مفهوم قاعده فقهی

قاعده فقهی معیار و اصلی کلی است، که به وسیله ادله شرعی ثابت شده و خود (بدون واسطه) بر مصادیقش، همچون انطباق کلی طبیعی بر مصادیق آن منطبق است (مصطفوی، ۱۴۲۱ق: ص ۹). از آنجا که قاعده فقهی حکمی شرعی است، باید همانند هر حکمی با مستندات فقهی اثبات شود. بر این اساس، قواعد فقهی در تمامی ابواب فقه به‌عنوان یکی از معیارهای فهم دیدگاه شارع و متکای فقه به‌شمار می‌رود. به‌قول آیت‌الله خامنه‌ای «فقاہت شیعه، یکی از محکم‌ترین فقاہت‌ها و متکی به قواعد است» (مقام معظم رهبری،

۱۳۶۸/۴/۲۳). امروزه که قانون در جوامع حکم فرماست، کاربرد این قواعد که مبنا و تکیه‌گاه بسیاری از قوانین‌اند، نمودارتر از دیگر زمان‌ها شده است. استفاده از قواعد فقهی در سیاست و حکومت علاوه بر اینکه به تطابق سیاست‌های کلی حکومت با شرع می‌انجامد، به سامان‌دهی و نظم در حوزه‌های مختلف منتهی شده است و حقوق و تکالیف قانونگذار، مجری و ناظر را آسان‌تر خواهد کرد. لذا لازم است قواعد این عرصه برای کارگزاران، سیاستمداران و صاحبان حق تبیین گردد.

۲-۲. مفهوم تقیه

تقیه مصدر یا اسم مصدر از ماده «وقی» به معنای بازداشتن یا خود نگهداشتن است و در اصطلاح به معنی «همراهی و هم‌کلامی با افراد در آنچه عقیده دارند و ترک آنچه منکرند برای دوری از شرور آنان» تعریف می‌شود (شهید اول، بی‌تا: ج ۲، ص ۱۵۵). به عبارت دیگر، می‌توان آن را مصداق این سخن امام که می‌فرماید: «انسان حکمی را برخلاف واقع بگوید یا عملی برخلاف میزان شریعت برای حفظ خون یا ناموس یا مال خود یا دیگری انجام دهد» (امام خمینی، ۱۳۶۳: ص ۱۲۸) قرار داد.

علاوه بر آن، ایشان معتقدند: «بنده نتوانستم یک واژه‌ای را که صددرصد برابر و معادل با تقیه باشد پیدا کنم، اگر بگوییم تقیه به معنای «استتار» است، خواهیم دید که یقیناً از این وسیع‌تر است؛ اگر بگوییم تقیه به معنای «به‌طور مکتوم عمل کردن» است؛ باز می‌بینیم که معنای تقیه از این وسیع‌تر است؛ اگر بگوییم که تقیه به معنای ایجاد تشکیلات است که انسان، کاری را بر طبق تشکیلاتی انجام بدهد، می‌بینیم این هست، اما از این هم وسیع‌تر و عمیق‌تر است؛ ... تصور مردم این است که تقیه یعنی اینکه انسان وقتی که می‌خواهد یک عملی را انجام دهد و یک واجبی را به‌جا بیاورد، اگر چنانچه برای انجام این واجب، برای پیمودن این راه، یک خطری و یک ضرری تصور می‌شود، انسان این واجب را انجام ندهد و این راه را نپیماید؛ این مطلب به‌شدت غلط است. ... مسلماً معنای تقیه در روایات این نیست، ضد این است؛ تقیه یعنی اگر کاری در عالم واقع و عمل برای انسان خطر و ضرر دارد، به صورتی انجام بدهد که کار انجام بگیرد و آسیبی به آن نرسد، البته همه معنای تقیه این نیست ...؛ اما مسلماً این جزء معنای جوهری تقیه است ... این دو معنا، دو نقطه مخالف هم است؛ در معنی اول، تقیه موجب برگشتن است، در معنی دوم، تقیه موجب پیش رفتن است. از آیات قرآن و روایات استفاده می‌کنیم که تقیه وسیله‌ای است برای رساندن انسان با هدفی به هدفش» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ص ۳۳۷).

۲-۳. مفهوم فقه سیاسی

فقه علم به احکام فرعی شریعت از طریق ادله تفصیلی است و فقیه کسی است که در حوزه‌های مختلف

احکام با تسلط بر ادله و نظرات مختلف براساس مبانی، حکم و نظریه‌ها، مسائل مربوط به فروع شریعت را تبیین می‌کند. از طرف دیگر، فقه سیاسی حوزه‌ای از علم فقه است که به سیاست و حکومت ارتباط دارد. به عبارت دیگر، بخشی از علم فقه که به تبیین احکام، مسائل و نظریه‌های فقه در مباحث و موضوعات سیاسی می‌پردازد.

۲-۴. مفهوم سیاست خارجی

سیاست به معنای تدبیر امور است. کشورها همچنان که نیازمند تدبیر امور داخلی و تنظیم روابط و تعاملات خویش با اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی هستند، نیازمند تنظیم مجموعه مقررات و قواعدی برای ساماندهی به تعاملاتشان با اتباع حقوق بین‌الملل، یعنی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی هستند. مجموعه این تدابیر کلی را سیاست خارجی دولت می‌گویند. به عبارت دیگر، «سیاست خارجی عبارت است از: خط‌مشی و روشی که دولت در برخورد با امور و مسایل خارج از کشور برای حفظ حاکمیت و دفاع از موجودیت و (تعقیب و تحصیل) منافع خود اتخاذ می‌کند» (منصوری، ۱۳۶۵: ص ۱۱).

۳. قواعد فقهی و سیاست خارجی

گفتیم که قواعد فقهی معیارهای کلی مستند به منابع فقهی هستند و از آنجا که سیاست خارجی نیازمند قانون‌مندی، استحکام و تداوم است و در نظام اسلامی افزون بر اینها انطباق سیاست‌ها و رفتارها با قوانین شرعی نیز لازم و ضروری است؛ استفاده از قواعد فقه سیاسی در سیاست خارجی علاوه بر اینکه هر دو شرط را با خود می‌آورد، در فهم کارگزاران از حکم شرعی نیز سرعت می‌بخشد. لذا مناسب است آن دسته از قواعد فقه سیاسی که در تنظیم سیاست‌های خارجی نظام نقش دارند، برای سیاستمداران، برنامه‌ریزان و کارگزاران سیاست خارجی نظام تبیین گردد. این قواعد در درازمدت باعث ثبات و شفافیت سیاست‌های کلان کشور اسلامی نیز می‌گردد؛ ناگفته پیداست که استفاده از این قواعد توسط همه کشورهای اسلامی در سطح کلان بین‌المللی، به یکسانی و وحدت در سیاست‌های کشورهای اسلامی و در نتیجه هموار شدن مسیر اتحاد ملل اسلامی و هماهنگی و همسانی روابط آنان با دیگر دولت‌ها خواهد انجامید.

۴. ماهیت و شرایط تقیه

الف) ماهیت تقیه: از نگاه فقهی تقیه منشأ حکمی ثانوی است. یعنی مشروعیت تقیه، آن عمل را ذیل حکم ثانوی، قرار می‌دهد. بنابراین، «دلیل تقیه بر ادله احکام اولیه حکومت دارد و ما می‌توانیم در صورت

وجود شرایط تقیه، صلات، صیام و سایر عبادات را علی وجهها (به شکل مطلوب) انجام ندهیم» (امام خمینی، ۱۳۶۳: ص ۱۲۸). با ثانوی بودن تقیه روشن می شود که حکمی موقت و تابع عناصری مانند زمان، مکان و غیره است. بر این اساس تقیه در تحلیل خارجی رفتاری تاکتیکی در برابر مخالف و دشمن است. در ادامه به تحلیل هایی از ماهیت تقیه پرداخته خواهد شد.

یک) سپر مبارزه: در روایات تصریح شده که تقیه سپر مؤمن است. آیت الله خامنه ای در جملاتی در تفسیر روایت می گویند: «سپر در میدان جنگ مورد استفاده قرار می گیرد و به هنگام درگیری به کار می آید. پس، تقیه در زمینه درگیری است؛ چون تُرس و حرز و سنگر و سپر است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۱۱/۹). پس تقیه در سیاست داخلی یا خارجی همراه با سکون و بی تحرکی نیست؛ بلکه سپری است که کشور را از ضربه دشمن دور می کند و فرد بدون اینکه صحنه جنگ را ترک کند، مخفیانه و بدون توجه او ضربه اش را وارد می کند.

دو) وسیله ای برای رسیدن به هدف: «از روایات ... استفاده می کنیم که تقیه وسیله ای است برای رساندن انسان با هدفی به هدفش؛ این وسیله چیست؟ ... چند نوع وسیله خاص مورد نظر است که این وسایل خاص، انسان را به هدف برساند و موجب بشود که موانع و خار راهها جلوی انسان را نگیرد» (خامنه ای، ۱۳۹۶: ص ۳۴۰).

سه) مبارزه مخفی، نه سازش با ظالم: «مبارزه مخفی و غیرعلنی درون تقیه نهفته است. تنها ظاهر در استتار و پوشش است. در نهضت امام خمینی هم این گونه بود. وقتی تقیه می کردیم، معنایش این بود که ضربه شمشیر را بر پیکر نحس دشمن وارد می کردیم؛ اما طوری که او نه شمشیر و نه دستی که شمشیر را گرفته [است] و نه بلند کردن و نه فرود آمدن آن را ببیند و بفهمد، بلکه فقط دردش را احساس کند. آنهایی که در آن روز تقیه می کردند، مخفیانه و دور از چشم دشمن، در خانه های پنهان، با هزار ملاحظه و مراقبت، مثلاً اعلامیه تنظیم می کردند که وقتی پخش می شد، به کلی آبروی نظام را می برد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۱۱/۹).

شهید مطهری نیز معتقد است که حکم اصل مبارزه با ظلم قابل تغییر نیست؛ ولی شکل آن قابل تغییر است: «مقتضیات زمان در شکل مبارزه می تواند تأثیر بگذارد. هیچ وقت مقتضیات زمان در این جهت نمی تواند تأثیر داشته باشد که در یک زمان سازش با ظالم جایز نباشد، ولی در زمان دیگر سازش با ظالم جایز باشد ... شکل مبارزه ممکن است فرق کند: ممکن است مبارزه علنی باشد، ممکن است مخفیانه و زیر پرده و در استتار باشد» (مطهری، ۱۳۶۸: ج ۱۸، ص ۹۷).

چهار) استراتژی مبارزه: آیت‌الله خامنه‌ای تقیه را فراتر از موارد فوق، تاکتیک یا استراتژی مبارزه دانسته‌اند، ایشان معتقدند که با تقیه جان افراد حفظ می‌گردد، در عین اینکه مبارزه ادامه می‌یابد و هدف نیز پیش می‌رود. «اهل بیت (ع) و به تبع آن‌ها، فقها دست به تاکتیکی به نام تقیه زده (اند) که براساس آن، به خاطر حفظ اساس جامعه شیعه و حفظ جان شیعیان، بسیاری از حقایق شیعه را کتمان نموده‌اند و در مواردی، مطالبی را برخلاف عقائد خویش بیان می‌داشتند ... بر این اساس، تقیه را نه حکمی شرعی برای تجویز سکوت هنگام ترس از رفتار دشمنان مقتدر و مسلط، و نه مقوله‌ای تدافعی برای مصونیت بخشی و حفظ جان مؤمنان، از خطر دشمنان [دانسته‌اند]، بلکه [می‌توان آن را] رویکردی در مقابله با دشمن، متناسب با شرایط و موقعیت و زمانه ارزیابی کرد».

ب) شرایط تقیه: از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای تحقق صحیح تقیه شرایط زیر را دارد:

یک) استتار و کتمان: «یکی از چیزهایی که انسان هدفی را به هدف می‌رساند، استتار و کتمان است. صحابی امام و یار نزدیک امام باید راه خود را که قدرت‌های قاهر زمان امام با آن راه مخالفند پوشیده بدارد، پس اگر استتار و کتمان نکند، مسلم است که به هدف نزدیک‌تر خواهد شد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ص ۳۴۲).

دو) حفظ نظم و برنامه مقرر: «از چیزهایی که انسان را به هدف می‌رساند، حفظ نظم و مراقبت کردن از اصول و برنامه‌ای است که برای او مقرر شده؛ هرگز در مراعات برنامه‌ریزی که برای رسیدن به هدف بر او مقرر شده [است]، لاپالایی‌گری به خرج ندهد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ص ۳۴۱).

سه) کار تشکیلاتی: تقیه‌کننده هدف خود را فراموش نکند، بلکه با برنامه‌ریزی و کار تشکیلاتی و در خفا، در رسیدن به آن فعال است: «یکی از چیزهایی که انسان هدفی پیرامون امام را می‌تواند به مقصد برساند، وجود یک سلسله رابطه‌هایی است که میان امام و افراد، و میان افراد با یکدیگر باید وجود داشته باشد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ص ۳۴۳). امامان در تعاملات خود و اصحاب، متناسب با شرایط و اقتضائات زمانه و نقشه دشمنان، رفتار می‌کردند و دشمن را از رسیدن به هدفش ناکام می‌نمودند.

۴-۱. تقسیمات و انواع تقیه

تقیه به جهات مختلف دارای تقسیماتی است؛ که ذیلاً به آنها پرداخته می‌شود.

الف) از جهت نحوه انجام: تقسیم تقیه به کتمانی و اظهاری؛ اظهاری همان اظهار و بیان خلاف واقع و اعتقاد است؛ کتمانی عدم اظهار و کتمان موضوع است. تقیه کتمانی دارای انواع است:

اول: کتمان ابتدایی حقیقت: مانند تقیه مؤمن آل فرعون؛ که قرآن مجید به کتمان ایمانش اشاره دارد (مومن:

۲۸). یا کتمان اطلاعات و امکانات در زمان جنگ.

دوم: سکوت در برابر پرسش‌گر: مانند طفره رفتن مسئول از پاسخ به سؤال خبرنگاران؛ به دلایل امنیتی و حفظ اسرار نظام انجام می‌گیرد.

سوم: منحرف کردن سؤال: مانند کلی‌گویی در پاسخ به پرسش‌گر.

چهارم: عمل به عقیده یا حقیقت و وانمود کردن خلاف آن، یعنی ناظر بیرونی مخالف تصور کند، عمل طبق اعتقاد او انجام شده، در حالی که طبق اعتقاد خود فرد بوده است. مانند: احرام بستن در میقات شیعیان و اظهار آن در میقات اهل تسنن (صفری، ۱۳۸۱: ص ۲۰۷).

ب) از جهت انگیزه و هدف: از این جهت تقیه به دو گونه خوفی یا حفظی، و مداراتی یا تحبیبی تقسیم می‌شود. حفظی چند قسم است: اول: حفظ دین، مانند سکوت بیست و پنج ساله امیرالمؤمنین (ع) پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)؛ دوم: حفظ جان، اعم از حفظ جان خود، همراهان، یاران و رهبران؛ سوم: حفظ مال؛ چهارم: حفظ آبرو. به این موارد می‌توان حفظ کشور، حاکمیت و نظام اسلامی را نیز افزود.

تقیه مداراتی یا تحبیبی نیز با توجه به هدف، چند نوع است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۴۱۰). اول: با هدف حفظ وحدت و یکپارچگی مسلمانان مانند: دستور ائمه به اقامه نماز با اهل سنت؛ دوم: ایجاد توسعه برای شیعیان در جایی که در اقلیت هستند؛ مانند مماشات با حکومت جائر در کشورهای شیعه‌نشین؛ سوم: حفظ آبروی مذهب، براساس دستور ائمه: «برای ما مایه زینت باشید نه مایه ننگ و عار» (حرّعاملی، ۱۳۹۸ق: ج ۸، ص ۴۰۰)؛ چهارم: برای رفع نیازهای زندگی جمعی در همزیستی با مخالفین.

ج) از جهت مخاطب: مخاطب و طرف تقیه ممکن است در اعتقادات با تقیه‌کننده اختلاف داشته باشد؛ مثل تقیه از کفار یا مسلمانان غیرهم‌مسلك. اما گاهی ممکن است با هم‌مسلكان در دیدگاه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اختلاف داشته باشد؛ یعنی فرد ممکن است دشمن، مخالف یا دوست باشد (صفری، ۱۳۸۱: ص ۲۱۱).

د) از جهت ذات: تقیه را به لحاظ ذات به چهار دسته «خوفی»، «مداراتی»، «کتمانی» و «اکراهی» تقسیم کرده‌اند (امام خمینی، ۱۳۷۸: ص ۷).

ز) برحسب احکام خمس: بر این اساس تقیه به پنج قسم واجب، مستحب، حرام، مکروه و مباح تقسیم می‌شود (انصاری، ۱۳۷۰: ص ۳۲۰). عدم توجه به حکم تقیه چه بسا مفسد بشمار می‌آید برای فرد یا کشور اسلامی به همراه دارد. چه اینکه حکم تقیه نسبت به افراد، زمان، مکان و مورد تقیه متفاوت است. گاه تقیه در موضوعی بر فردی یا در زمان و مکانی واجب، و بر فرد دیگر در غیر آن شرایط حرام است. مانند آنکه بر افراد

عادی واجب، ولی بر رهبران مذهبی و سیاسی حرام باشد. فریاد امام خمینی در شروع نهضت اسلامی در پرهیز عالمان از تقیه، حاکی از این امر بود: «اصول اسلام در معرض خطر است، با این احتمال تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب است ولو بلغ ما بلغ» (امام خمینی، ۱۳۶۸: ج ۱، ص ۴۰).

۴-۲. گستره تقیه

نظر بسیاری از فقیهان، به استناد روایاتی، بر این است که تقیه حکم عقل و فطرت است، و به اعتقادات اختصاص ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۳۸۷). چرا که امضائی است نه تأسیسی؛ و از گذشته چنین قاعده‌ای وجود داشته و منشاء آن هم قاعده عقلی اهم و مهم است. در مقابل نیز، معدودی از فقیهان تقیه را ویژه اعتقادات دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ج ۱، ص ۳۸۷). به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای: «ما در مکتب تشیع و در اسلام، بلکه در همه ادیان الهی یک اصلی به نام تقیه داریم» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ص ۳۳۵). در خصوص گستره قاعده تقیه در سیاست خارجی باید گفت اولاً، در گذشته مرزهای جغرافیایی براساس اعتقادات ترسیم می‌شده و روابط بین‌الملل به نوعی همان روابط با پیروان دیگر ادیان بوده است. تقیه در چنین فضایی به عنوان اصلی از اصول سیاست خارجی دولت اسلامی بوده است؛ یعنی تقیه قاعده‌ای بوده که هم در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل مورد استفاده بوده است و هم در سیاست داخلی مانند روابط با مخالفین و اقلیت‌ها.

۴-۳. موارد ممنوعه تقیه

وظیفه اولیه هر انسانی راستگویی و بیان واقعیت است. تقیه به‌عنوان حکمی ثانوی و خلاف اصل، تاکتیکی موقت برای موارد خاص با پوشش یا کتمان واقعیت است. به همین دلیل موقتی بوده است و در هر مورد اگر دلیل موجهی بر جواز آن نباشد، ممنوع و حرام است. «با عنایت به اینکه تقیه به‌مثابه استراتژی مبارزه ارائه شده است، پس در همه زمان‌ها و همه موارد مجاز نبوده، بلکه به‌عنوان امری عقلانی و زمان‌مند، تابع اقتضائات زمانه و شرایط جبهه خودی و دشمن بوده است». لذا ممکن است، در مواردی ممنوع و در موارد دیگر واجب باشد. به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای تقیه در موارد زیر ممنوع است.

یک) ریختن خون افراد: همه فقیهان جان فرد را از موارد ممنوعه تقیه می‌دانند. «همین که کار به خون‌ریزی رسید، دیگر تقیه وجود ندارد. مسئله دم از نظر شارع آقندر مهم است که حتی ادله ثانویه را که حاکم بر ادله اولیه هستند، محدود می‌کند». روایت مشهور نیز چنین است (حرّعاملی، ۱۳۹۸ق: ج ۱۱، ص ۴۸۳).^۱ ایشان

۱ «فاذا بلغت النقیة الدم فلا تقیه»

در ادامه می‌افزایند: «به‌خاطر اهمیت خون از دلیل حاکم (روایات تقیه) دست برمی‌داریم. این استدلال مبتنی بر این است که معنای روایت این باشد که اگر تقیه کردن تو منتهی به اراقه دم غیر به دست تو شدف دیگر تقیه جایز نیست». در سیاست خارجی نیز ممکن است تقیه حاکمان کشور، جلوی ریختن خون هزاران نفر یا جلوی جنگ قریب الوقوعی را بگیرد، یا جنگی را خاتمه دهد؛ یا جان گروهی را در کشوری دیگر نجات دهد، در این اشکال، تقیه واجب است. اما اگر تقیه و کتمان موضع صریح کشور، باعث جنگ شود، یا اعلام موضع صریح، جلوی جنگی را بگیرد، در این موارد تقیه حرام است.

دو) مخالفت با هدف: اگر انجام تقیه مخالف هدف باشد، نیز جای تقیه نیست. مانند آنکه فرد با پیمان‌شکنی و دروغ‌گویی به دنبال هدفی مقدس و مطلوب باشد. به تعبیر آیت‌الله خامنه‌ای «در منطق اسلام، آن وسیله‌ای که انسان را به هدف می‌رساند، آن وسیله نباید برخلاف هدف باشد؛ نباید نامقدس و آلوده باشد. وسیله باید با هدف قابل تطبیق باشد. علی (ع) می‌خواهد حکومت بکند برای اینکه دروغ‌گویی را از عالم بردارد، ... این درست نیست که وسیله‌اش یک دروغ، یک پیمان شکنی، یک فریب، یک ریاکاری، یک ضد فضیلت‌گرایی باشد. پس هر وسیله‌ای که انسان را به هدف برساند اسمش تقیه نیست» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ص ۳۴۰). در جای دیگر می‌گویند: «اگر انسان به وسیله مخالفت با اصول هدف خود، بخواهد خود را به هدف برساند، این را در عرف منطق اسلام و تشیع تقیه نمی‌گویند؛ مثلاً فرض بفرمایید آن کسی که می‌خواهد رهبری جامعه اسلامی را به دست بگیرد و لازمه رهبری تقوا و عدالت است، این آدم برای اینکه خود را به رهبری جامعه اسلامی برساند، بی‌تقوایی و بی‌عدالتی را پیشه کند؛ یعنی مخالفت کند با اصولی که در رهبری جامعه اسلامی در اسلام و در قرآن مقرر شده، این را تقیه نمی‌گویند» (خامنه‌ای، ۱۳۹۶: ص ۳۳۵). ایشان به‌عنوان مستند، با تکیه بر رفتار امیرالمؤمنین (ع) پس از خلیفه دوم، می‌فرمایند: «امیرالمؤمنین (ع) در شورای شش نفره می‌توانست مجامله کند و با این شرط که: «من برطبق کتاب خدا و سنت پیامبر و سیره شیخین عمل می‌کنم»، رهبری جامعه را برعهده بگیرد؛ بعد که به حکومت رسید به سیره شیخین عمل نکند، اما او این کار را نکرد» (همان). در صحنه بین‌المللی نیز حاکم اسلامی نمی‌تواند به عنوان تقیه قراردادی امضاء کند و پس از کامیابی، آن را نقض کند، یا به دروغ رعایت حقوق بشر و ممنوعیت ساخت و کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی را اعلام کند، اما در واقع به آن پایبند نباشد.

سه) امکان داشتن مبارزه: اگر امکان عمل به حکم اولی ستیز و مبارزه با دشمن جنگجو و ظالم باشد، جای تقیه به‌عنوان حکم ثانوی نیست. آیت‌الله خامنه‌ای می‌گویند: «احتمال دوم (از تعبیر «فلاتقیه») که در حدیث آمده) نفی آن در زمان غیر هدنة و صلح است، یعنی وقتی بنای جنگ و مبارزه در مقابل دستگاه ظالمانه يك

حاکم، نیست. در اینجا برای حفظ جان باید تقیه کرد. مانند زمان امام باقر(ع) و اوائل دوره امام صادق(ع) که بنای قیام نبود؛ زیرا آنان عده و عده نداشتند و لذا به زید بن علی بن الحسین اجازه قیام نمی دادند، چون می دانستند که فایده‌ای ندارد. اما اگر زمینه منازعه و جنگ آماده شد، خواه به اینکه دستگاه ظالمانه به قتل افراد بپردازد یا خود شیعیان مبارزه را آغاز کرده باشند، در این صورت دیگر جای تقیه نیست».

روایت دوم می فرماید: «فاذا بلغت التقیة الدم فلا تقیة و ایم الله لودعیتم لتنصرونا لقلتم لانفعل انما تنقی؛ زمانی که تقیه به خون رسید (سبب ریختن خون شود) مجاز نیست. به خدا قسم اگر خواسته شد از شما که ما را یاری کنید می گفتمد این کار را نمی کنیم، همانا تقیه می کنیم». این سخن مؤید این معنا است، که چون دوران، دوران عدم تعرض بین حاکمان وقت و شیعیان است، ما تقیه را واجب کردیم؛ اما اگر زمینه‌ی قیام و مبارزه مهیاء شد، دیگر نباید تقیه کنید.

اعلام موضع صریح و شفاف در صحنه بین‌المللی، گاه با موانعی مواجه است و حاکمان مجبور به تقیه‌اند. ولی گاه هیچ مانعی در مقابله با ظلم وجود ندارد. به عنوان مثال ایشان در باره موضع ایران در برابر آمریکا معتقدند: «امروز ما برای اعلان موضع صریح در مقابل ظلم امریکا و مراکز قدرت، هیچ‌گونه مانع و رادعی نداریم. ما حقیقت را بیان می کنیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۸/۲۱). در این‌گونه موارد سکوت حاکمیت به جهت تقیه، کمک به ظلم آمریکا است، به همین دلیل معتقد به عدم سکوت و اظهار صریح موضع جمهوری اسلامی شده‌اند. ایشان در این خصوص می فرمایند: «تنها پرچمی که در مقابل سلطه‌گران ایستاده، جمهوری اسلامی است. آحاد مردم و دولت، همراه آن‌ها؛ رئیس‌جمهور، همراه آن‌ها؛ و مسئولین کشور، همراه آن‌ها، بدون تقیه ظلم را نفی می کنند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۱۱/۹).

چهار) تهدید اصول اسلام: اگر اصول اسلام نیز مورد تهدید و خطر باشد، تقیه حرام و ممنوع است. امام خمینی در زمان پهلوی برای حفظ اصل اسلام، با تقیه علما مخالف بودند: «حضرات آقایان توجه دارند، اصول اسلام در معرض خطر است، قرآن و مذهب در مخاطره است، با این احتمال تقیه حرام است و اظهار حقایق واجب است ولو بلغ ما بلغ» (امام خمینی، ۱۳۶۸: ج ۱، ص ۴۰). یا در جمله‌ای دیگر فریاد می زنند: «والله، گناه کار است کسی که داد زند. والله، مرتکب کبیره است، کسی که فریاد نکند» (همان: ص ۱۰۵) و «وای بر ما، وای بر این علمای ساکت، وای بر این نجف ساکت، وای بر این قم ساکت ... امروز سکوت همراهی با دستگاه جبار است، نکند سکوت» (همان: ص ۱۲). در صحنه بین‌المللی نیز چنین است؛ یعنی اگر اصول اسلام در خطر بود تقیه حرام است.

پنج) فقدان مصلحت و ملاحظات سیاسی: گاه ملاحظات سیاسی بین‌المللی اقتضای آن را دارد که

دشمن موضع ما را به روشنی بداند. علاوه بر این، کتمان ما تأثیری در رویه او نسبت به حاکمیت اسلامی ندارد، یعنی مصلحتی در کتمان و تقیه وجود ندارد و بیان واقعیت در صحنه بین‌المللی بیش از کتمان آن به نفع حاکمیت اسلامی است؛ در این صورت تقیه حرام است. رهبر انقلاب معتقدند: «جمهوری اسلامی ایران موضع خود را صریح و محکم اعلام کرد و نشان داد که زیر فشار ملاحظه سیاسی قرار نمی‌گیرد و ملاحظات جهانی موجب نمی‌شود که او از قدرت‌های بزرگ و ملاحظه‌گر دنیا تقیه کند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۰۸/۲۱).

۴-۴. اهداف تقیه و نمودهای آن در صحنه بین‌المللی

از آنجا که تقیه اظهار خلاف واقع یا کتمان حقیقت و مخفی کردن آن است، تنها مستندی متّمن می‌تواند مجوز شرعی آن باشد. به طور کلی از آیات و روایات برمی‌آید که تقیه به هدف وابسته است و براساس هدف، حکم و جوب یا حرمت می‌گیرد. به اعتقاد برخی از نویسندگان می‌توان سه هدف عمده را برای تقیه برشمرد: حفاظت، نفوذ و جذب (صفایی حائری، ۱۳۸۰: ص ۱۶۰)؛ که هر یک به انحاء مختلف در صحنه‌های داخلی و خارجی نمودهایی دارند. در ادامه بر اساس این سه هدف کلان، به برخی از اهداف تقیه در صحنه بین‌المللی پرداخته خواهد شد.

الف) هدف حفاظت: فقها با نگاه فردمحوری مواردی مانند حفظ جان، مال، آبروی مسلمان و حفظ دین را بیان کرده‌اند. ولی عمومیت و اطلاق تقیه، موضوعات متنوع‌تر و کلان‌تری با این هدف را در جامعه و بالاتر از آن در صحنه جهانی شامل می‌شود. یعنی حفاظت چه در روابط داخلی نسبت به گروه‌ها و احزاب، نهادهای حکومتی و غیرحکومتی و اصل نظام، و چه در روابط خارجی نسبت به کشورها و سازمان‌های بین‌المللی را شامل می‌شود.

یک) حفظ جان مال و آبروی افراد در صحنه بین‌المللی: حفظ جان رهبران، کارگزاران عالی و دیپلمات‌های کشور اسلامی یا جان توده مردم در کشورهای اسلامی می‌تواند، سبب و جوب تقیه شود. همچنان که حفظ جان اقلیت‌های مسلمان یا اتباع کشور اسلامی در کشورهای دیگر نیز می‌تواند تقیه را بر کارگزاران کشور اسلامی یا مسلمانان دیگر واجب کند. این تقیه می‌تواند از نوع اظهاری یا کتمانی باشد. چه بسا رفتار و گفتار حاکمان یا رفتاری منتسب به حاکمیت، در صحنه بین‌المللی سبب به خطر افتادن جان افراد یا اذیت و آزار آنها در کشورهای دیگر گردد؛ یا سبب ممنوعیت‌ها و تحریم‌هایی در تعاملات ضروری و مهم کشور اسلامی با جهان شود. بر این اساس لازم است، برخی از اعتقادات و واقعیت‌ها اظهار نشود و حتی در مواردی خلاف آن

گفته شود.

دو) حفظ دین: امروزه شبکه‌های وسیع اطلاع‌رسانی جهانی مترصد فرصت هستند تا نمادهای دینی به‌خصوص نمادهای اسلامی، اعتقادات، مناسک، تاریخ و پیشینه ادیان، را نامتعارف جلوه دهند و به اختلافات مذهبی و تعصبات دامن زنند. مسلمانان با تقیه مداراتی و دم فروبستن از اختلافات به‌ویژه در اعتقادات، اتحاد خود را حفظ کرده و بسیاری از این طرح‌ها را نقش بر آب نموده‌اند.

سه) حفظ هویت شیعیان: یکی از اهداف ائمه از تقیه، حفظ هویت جمعی شیعیان، مکتب تشیع و دوری آنان از محدودیت‌های طاقت‌فرسای ایجاد شده توسط حکام غیر شیعه بوده است. آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است: «حاکمان، اهل بیت(ع) و جانشینان آن‌ها یعنی فقها را رقیب سیاسی خویش با پشتوانه مردمی پنداشته‌اند، لذا سعی در مراقبت، فشار، تضعیف و یا نابودی آن‌ها داشتند و از همین روی، اهل بیت(ع) و به تبع آن‌ها، فقها دست به تاکتیکی به نام تقیه زده که براساس آن به‌خاطر حفظ اساس جامعه شیعه و حفظ جان شیعیان، بسیاری از حقایق شیعه را کتمان نموده‌اند؛ بلکه در مواردی، مطالبی را برخلاف عقائد خویش بیان می‌داشتند». براین اساس، حفظ وحدت مسلمانان و افراد یا هویت جمعی آنان در سطح بین‌المللی، می‌تواند مجوز یا دلیل تقیه حاکمیت اسلامی در صحنه بین‌المللی گردد.

چهار) حفظ حدود و ثغور و امنیت سرزمین اسلامی: ممکن است حفظ کیان کشور اسلامی و مرزهای آن تقیه را بر حاکمیت لازم کند. چه بسا ضعف سیاسی یا نظامی حاکمیت به جرأت دشمنان بر تعرض به مرزها و حتی تصرف اراضی کشور بیانجامد. به همین دلیل تقیه یا اظهار خلاف واقعی که به اقتدار کشور و حفظ مرزها از تعرض مصون منتهی گردد، لازم و ضروری است.

پنج) حفظ و ارتقاء قدرت نظامی در جنگ: در زمان جنگ تقیه از دشمن که همان کتمان اسرار و چه بسا اظهارات خلاف واقع کارگزاران و فرماندهان و مواردی شبیه اینها است، موجب حفظ و حراست از کیان کشور و جان سپاهیان اسلام خواهد شد. این موضوع از تأکید روایات بر جنبه سپر بودن تقیه نیز برداشت می‌شود. چه اینکه سپر در حین جنگ و حمله لازم است نه در عقب‌نشینی؛ تا جان و امکانات رزمنده را حفظ کند.

شش) حفظ نظام و اقتدار حاکمیت اسلامی: حفظ نظام اسلامی و افزایش اقتدار دولت اسلامی می‌تواند دلیلی بر جواز تقیه و دست برداشتن از حکم اولی لزوم اظهار واقع یا حرمت کتمان آن باشد.

هفت) حفظ و تقویت نهضت‌های آزادی‌بخش: امروزه تقویت نهضت‌های آزادی‌بخش و گروه‌های مبارز در سراسر جهان برای رهایی آنان از ظلم و ستم، یا در راستای ضربه زدن به استکبار و نظام‌های سلطه‌گر، در

بسیاری از موارد باید مخفیانه، در تقیه و بدون اعلام رسمی و علنی باشد؛ زیرا ممکن است کشور حامی، مورد تحریم و فشار قدرت‌های جهانی قرار گیرد.

ب) هدف جذب: جذب و جمع‌آوری نیروهای پراکنده، نفرت‌زده و بدبین به خصوص در موارد زیر می‌تواند هدف از تقیه باشد.

یک) جذب مسلمانان و هم‌بستگی آنان: ارتباط دوستانه و به‌دور از دونیت‌ها، نفرت‌ها و اختلافات موجب وحدت مسلمانان و کشورهای اسلامی و در نهایت اقتدار جهانی مسلمانان می‌گردد و همین امر مجوز تقیه است. رهبر انقلاب معتقدند: «ما باید با همه وجود اعلام کنیم که معتقد به وحدت جهان اسلام و وحدت پیروان «لا اله الا الله و محمد رسول الله» هستیم. ما امروز در دنیا باید مایه وحدت بشویم؛ همچنان که ائمه بزرگوار ما همیشه عامل جمع و وحدت بوده‌اند» (خامنه‌ای، ۱۳۶۹ ب: ص ۱۰۰).

دو) جذب شیعیان: جلوگیری از پراکندگی و تفرق شیعیان و دفاع از هویت و اعتقادات آنها نیز ممکن است تقیه را بر رهبران و دیگر افراد واجب کند. این امر به حفظ جامعه شیعه و هویت آن در صحنه بین‌المللی کمک می‌کند.

سه) جذب حاکمان و مردم کشورها: ضرورت حمایت کشورهای دیگر از کشور اسلامی در صحنه بین‌المللی و جذب مردم آن کشورها به دین و دولت اسلامی نیز ممکن است، موجب تقیه در روابط فیما بین گردد. این مورد، هوشیاری و استفاده از فرصت به نفع کشور اسلامی یا مسلمانان است، نه دورویی و فریب در روابط.

ج) هدف نفوذ: نفوذ در تشکیلات و دستگاه اطلاعاتی دشمن و حتی در مواردی نفوذ در کشورهای دوست برای کسب اطلاعات می‌تواند دلیلی بر جواز تقیه شود؛ چرا که اطلاعات درست می‌تواند طرح‌ها و برنامه‌های کشور نسبت به طرف مقابل را واقع بینانه‌تر کند.

یک) نفوذ در بُعد خارجی: غالباً سرویس‌های اطلاعاتی، افرادی را با هدف کسب اطلاعات و آگاهی از نقشه‌های طرف مقابل برای نفوذ در دشمن استخدام می‌کنند، که لازمه‌اش تقیه و کتمان در رفتار و گفتار است. این امر در ارتباط با دشمن گاه با هدف دفع تهدید و فشار او به کشور اسلامی صورت می‌گیرد. «امروز مجموعه اسلام، از سوی دشمنان مورد تهدید است. امروز از سوی قدرت‌های استکبار جهانی، اصل دین مورد فشار و تهدید است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۳/۴)، و همین امر مجوز تقیه می‌گردد.

دو) نفوذ در بُعد داخلی: نفوذ در بین گروه‌ها، انجمن‌ها و احزاب با هدف حفظ منافع و مصالح عالیه کشور اسلامی نیز، در مواردی مجوز تقیه می‌شود.

۴-۵. انواع تقیه در گستره سیاست خارجی

رهبر انقلاب تقیه را یکی از سه اصل مبنایی سیاست خارجی جمهوری اسلامی می‌داند: «یکی دیگر از ارزش‌ها این است که سیاست خارجی ما به سه اصل عزت، حکمت و رعایت تقیه - در آن مواردی که باید تقیه کرد- متکی باشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۱۱/۹).

در ادامه به تقسیم‌بندی تقیه به لحاظ ذات، در سیاست خارجی اشاره می‌گردد.

الف) تقیه خوفی: در بحث از سیاست خارجی تقیه خوفی به معنای آن است که از ترس گزندگی که ممکن است از جانب کشور متخاصم یا کشوری دیگر به کشور اسلامی وارد آید، رفتاری در پوشش و خفا انجام شود. به‌ویژه با کشوری که در ظاهر دوست ولی در واقع دشمن است. یعنی گاه لازم است، دولت و حاکمان اسلامی برای مصون ماندن کشور از ضررهای کلان از برخی سخنان و عملکردهای به حق، موقتاً گذشت کنند.

در این تعاملات تقیه به عنوان سپر برای ایمنی از دشمن است. اعم از تقیه اطلاعاتی و عملیاتی. در حقیقت و طبق فرموده آیت‌الله خامنه‌ای، «تقیه سپر بود و تقیه‌کننده پشت سپر مخفی می‌شد. معنای تقیه این است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۱۱/۹). ایشان در جایی دیگر می‌فرمایند: «استکبار جهانی دارای قدرتی است و شما هم مقاصدی دارید...، هیچ لزومی ندارد که هرکسی دائم از تریبون‌ها اعلام کند و مسابقه بگذارد که فلان کار را می‌خواهیم بکنیم و بعد هم نکنند!» تمامی این موارد، تقیه خوفی است.

ب) تقیه مداراتی: تقیه مداراتی در سیاست خارجی به این معناست که رفتار کشور بر مبنای مصلحتی عالی، موجب مدارا، تسامح و عدم اصرار بر موضع خود شده است. در این صورت، راهکار تقیه را لازم کند. مثلاً حفظ اتحاد و یکپارچگی مسلمانان در جهان اقتضاء می‌کند، حاکمان کشورهای اسلامی اختلافات مذهبی را کنار گذارند، با حاکمان سایر کشورها و پیروان دیگر مذاهب مدارا کنند و از اختلاف در عقاید و احکام بحثی به میان نیاورند. رهبر معظم فرمودند: «ما به عنوان عايله تشیع، باید با همه وجود احساس و اعلام کنیم که معتقد به وحدت جهان اسلام و وحدت پیروان «لا اله الا الله و محمد رسول الله» هستیم. ما امروز باید مایه وحدت بشویم؛ همچنان که ائمه ما همیشه عامل جمع و وحدت بوده‌اند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۳/۴). در ادامه ایشان به ذکر راه‌حلی متذکر می‌شوند: «اول، تعارف و ارتباط و وصل و خبرگیری از هم و اطلاع از نظرات هم و کمک به یکدیگر؛ دوم، ایجاد وحدت و مهربانی با فرق دیگر اسلامی. نگذارید دشمن سوءاستفاده کند. به دست برادران، آن‌ها را ضعیف کند و از بین ببرد؛ و «لاتنازعوا فتفشلوا و تذهب ریحکم»». همه را برادر بدانید. امروز مجموعه اسلام، از سوی دشمنان مورد تهدید است». در این

خصوصاً لازم است توجه شود، که ائمه اطهار(ع) نیز برای حفظ تشکیلات و انسجام شیعه، حتی با فتوا طبق نظر عامه جلو تفرقه مسلمانان را می‌گرفتند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷ الف: ص ۴۸۶-۴۸۷).

ج) تقیه اکراهی: در این نوع از تقیه دولت و حاکمیت اسلامی به دلیل مصالحی ناچار به تقیه است. در این صورت پوشش واقعیت یا اظهار خلاف آن و حتی کتمان حقیقت به‌عنوان تقیه لازم به نظر می‌رسد. این نوع از تقیه در زمان وقوع جنگ بروز و ظهور بیشتری دارد و در روایات از آن به سپر تعبیر شده است. در این راستا رهبر انقلاب با تأکید بر جنبه سپر بودن تقیه و حفظ شدن افراد، امکانات، سرزمین و حاکمیت کشور با تقیه، این تصور را که تقیه تنها به دلیل ترس از دشمن است، رد کرده‌اند و می‌فرمایند: «تقیه سپر مؤمن است، و در زمینه درگیری است؛ چون ترس و حرز و سنگر و سپر است». با توجه به این امر باید گفت، که امروزه با تحریم دشمن، کشور ایران در حال جنگ اقتصادی است، لذا کارگزاران نظام باید در گفتار و کردار خود در تقیه باشند. امروزه اگر واسطه‌های مبادلات خارجی یا کانال‌های تجاری و شیوه‌های مبادلات افشا شود و در کنفرانس‌های خبری مسئولان، برخی از واقعیت‌ها بیان شود، چه بسا زیان غیرقابل جبرانی به کشور اسلامی است.

د) تقیه کتمانی: تقیه کتمانی را شاید نتوان قسیم سه قسم قبل خواند، اما چون از موارد پرکاربرد تقیه در سیاست خارجی است، به‌طور مستقل از آن یاد می‌شود. پیش‌تر بیان شد که کتمان واقعیت، داشته‌ها و توان حاکمیت در صحنه جهانی، یکی از ابعاد تقیه در سیاست خارجی است. چه بسا افشای برخی از واقعیت‌ها و داشته‌ها دشمن را مطلع بر اسرار و مهیا برای اقدامات خصمانه یا تلافی‌جویانه می‌کند. تقیه در اینگونه موارد در صحنه بین‌المللی، کشور اسلامی را از آسیب‌ها و خطرات حفظ می‌کند. آیت‌الله خامنه‌ای در ضمن بیان خاطره‌ای به این مهم توجه می‌دهند: «یکی از رهبران مسلمان پخته واردی که من در طول مدت کارهای سیاسی دیدم، «سکوتوره» بود ... يك وقت به من گفت: «فقط شما يك عیب دارید و آن این است که دائماً همه کارها را می‌گویید و مطرح می‌کنید. همه‌ی کارها که گفتن ندارد. چرا می‌گویید؟ ... شاید اول که این حرف را از او شنیدم، اصلاً از ته دل قبول نکردم. با خودم می‌گفتم گفتن ما مشکلی به وجود نمی‌آورد ... من حالا عقیده‌ام همین است. بعضی از برادران، در جاهایی خیال می‌کنند فقط خودشان هستند و به همین خاطر، مطالب و اهداف را می‌گویند که دشمن از آن سوءاستفاده می‌کند. شما باید مراقب باشید که بهانه به دست دشمن ندهید». ایشان تقیه در سیاست خارجی را مهم دانسته‌اند و به کارگزاران می‌گویند: «در این خصوص، وزارت خارجه و کسانی که با سیاست خارجی سروکار دارند و مجلس و بقیه اجزای دولت و بعضی از ائمه جمعه، در درجه اول اهمیت قرار دارند. پس، مسئله «تقیه» بسیار مهم است که باید در کار سیاست خارجی

به آن توجه کنیم... هیچ لزومی ندارد که هرکسی دائم از تریبون‌ها اعلام کند و مسابقه بگذارد که فلان کار را می‌خواهیم بکنیم و بعد هم نکند!» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۸/۱۱/۹). تقویت نهضت‌های آزادی‌بخش و گروه‌های مبارز در سراسر جهان برای استقلال و ضربه زدن به قدرت‌های ظالم و مستکبر نیز از این نوع تقیه است.

۵. نتیجه‌گیری

جواز تقیه حکم عقل که شرع نیز آن را امضاء کرده، است، در بین همه ملل وجود دارد و به هیچ وجه به معنای دروغ و فریب نیست. این قاعده در سابقه فقهی خود بیشتر در تعاملات فردی با مخالفین، حکام جائر و گاه در مصاف با دشمن مورد استفاده بوده، در حالی که قاعده‌ای کلی است و می‌توان از آن در انواع تعاملات داخلی و خارجی بهره برد. در این خصوص باید گفت که اهمیت استفاده از این قاعده در صحنه سیاست داخلی و بین‌المللی بسیار بیشتر، لازم‌تر و پرفایده‌تر از استفاده فردی آن است. چرا که منافع و مصالح عالیه کشور اسلامی یا مسلمانان را به دنبال دارد، که مقدم بر منافع فردی است. به اعتقاد آیت‌الله خامنه‌ای این قاعده به همراه دو اصل حکمت و مصلحت از اصول سیاست خارجی کشور اسلامی به‌شمار می‌رود و در انواع مختلف اکراهی، خوفی، مداراتی و کتمانی در این حوزه کاربرد دارد. این قاعده در حوزه‌های داخلی و خارجی با اهداف سه‌گانه حفظ، جذب و نفوذ در رساندن حاکمیت اسلامی و مسلمانان به اهداف خود و راه‌گشایی و خروج آنها از مشکلات، تجویزهایی شرعی ایجاد می‌کند. در صحنه بین‌الملل، هم‌دل کردن حاکمیت‌ها و ملت‌ها، حفظ وحدت مسلمانان و کیان کشور اسلامی و برهم‌زدن نقشه دشمن و فریب او با تقیه امکان‌پذیر است. به واقع و در یک جمله فلسفه استفاده از این قاعده در فقه سیاسی، رساندن کشور اسلامی و مسلمانان جهان به اهدافی عالیه خود است.

منابع

قرآن کریم.

- انصاری، مرتضی (۱۳۷۰). *التقیه*. انتشارات قائم آل محمد.
- حرّعاملی، محمدبن حسن (۱۳۹۸ق). *وسایل الشیعه*. داراحیاء التراث العربی، ج ۱۱، ۸.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۹ الف). *هم‌زمان حسین*. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۹ ب). *قیسات النور*. تهران: کنفرانس جهانی اهل بیت (ع).
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷ الف). *بیان قرآن (تفسیر سوره برات)*. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۰/۸/۲۱). *بیانات در جمع نیروهای بسیجی شرکت‌کننده در اردوی رزمی - فرهنگی علویون*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8994>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸/۴/۲۳). *خطبه‌های نماز جمعه تهران*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2142>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۹/۳/۴). *بیانات در دیدار با شرکت‌کنندگان مجمع جهانی اهل بیت (ع)*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2314>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸/۱۱/۹). *بیانات در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی*. قابل دسترس در: <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2259>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۷ ب). *کاوشی در حکم فقهی صابنان*. *فقه اهل بیت (ع)*، شماره ۹.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۳). *کشف الاسرار*. بی‌نا.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۸). *صحیفه نور*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۱.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸). *الرسائل العشر*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- شهید اول، محمدبن مکی (بی‌نا). *القواعد والقواعد*. قم: مکتبه المفید، ج ۲.
- صفائی حائری، علی (۱۳۸۰). *درس‌هایی از انقلاب*. قم: هجرت.
- صفری، نعمت‌الله (۱۳۸۱). *نقش تقیه در استنباط*. قم: بوستان کتاب.
- مصطفوی، سیدکاظم (۱۴۲۱ق). *القواعد*. قم: جامعه مدرسین، چاپ چهارم.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). *مجموعه آثار*. قم: انتشارات صدرا، ج ۱۸.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). *القواعد الفقهیه*. قم: جامعه مدرسین، چاپ پنجم، ج ۱.
- منصوری، جواد (۱۳۶۵). *نظری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: امیرکبیر.